

آینه شهرزاد

برسپاط فساد

● احمد توکلی؛ سیستم قضائی ما چابک و سرحال نیست؛ هرچند در بسیاری موارد باید از قوه‌قضائیه تقدیر و تشکر کرد اما ما انتظارم بیشتر از اینهاست. یکی از مهم‌ترین عوامل پیشگیری از فساد شفافیت در موضع‌گیری و رفتار حاکمان است. فساد شبکه‌ای گاهی جلوی تصویب قوانین و مقررات لازم برای مبارزه را خواهد گرفت. به‌عنوان نمونه... نماینده پیشنهادهنده حذف «نظارت مردم» عضو هیئت‌مدیره هفت شرکت دولتی و خصوصی است و از همه هم حقوق می‌گیرد! چون منافع شخصی کثیف داشت. اگر ما می‌خواهیم فساد منکوب شود، محتاج شفاف‌سازی هستیم و اگر بخواهیم شفاف‌سازی کنیم، نیازمند آزادی هستیم. این یک امر واجب است که آزادی وجود داشته باشد تا کار به خودسانسوری نرسد. آزادی شرط مبارزه موفق با فساد است. اما ما آن حد آزادی لازم را برای مبارزه با فساد نداریم. سازمان‌های مردم‌نهاد باید تقویت شوند و آزادی رسانه‌ها تقویت شود. باید سینه‌ها گشاده‌تر شود و هر روز یک خبرنگار را نکیرند و دادگاهی کنند.

انتقاد

خیز بلند ایران و عمان در همکاری‌های اقتصادی و منطقه‌ای

● طریف در حالی در رأس هیئت سیاسی راهی عمان و قطر شده است که این دو کشور از اضلاع شش‌ضلعی شورای همکاری خلیج فارس هستند که در چند ماه گذشته گرفتار شکاف‌های بسیار داخلی شده است. مسقط در تمام باری‌های منطقه‌ای که در سال اخیر میان ایران و عربستان از یک سو و قطر و عربستان از سوی دیگر رخ داده، فاصله خود را با مرکز بحران حفظ کرده و دقیقاً به دلیل همین سیاست هوشمندانه بوده که درحال‌حاضر نیز به محل ارجاعی برای کشور‌های متفاوت منطقه‌ای بدل شده است. نوری‌شاه‌رودی، سفیر جمهوری اسلامی در عمان در جواب به سؤال خبرنگار اعتماد: «عمانی‌ها خیلی بسا این قضیه [همه‌پرسی] اقلیم کردستان] محتاطانه برخورد کرده‌اند، اما می‌توان برداشت کرد که نظر عمانی‌ها به برگزاری همه‌پرسی در کردستان عراق مثبت نبوده».

اقتصاد

احمدی‌نژاد در رؤیای بهارستان

● محمود اما عاشق غافلگیرکردن ایرانیان و سنت‌شکنی‌هایی در ساختار نظام نیز هست، از حرف‌هایش در مناظره ۸۸ گرفته تا نمایش فیلم‌های خاص در مجلس، از نامه‌نوشتن‌های ممتد به ترامپ و اوباما تا نام‌نویسی یکباره در انتخابات ۹۶ ریاست‌جمهوری. از کارگردانی سنا‌یوهایی که در آن حمید بقایی بازیگر نقش اول است تا سکاسن‌هایی که خود رودروری دوربین رسانه‌های اینترنتی با نشست‌های خبری این‌چنینی، حضور دارد و به‌اصطلاح خود دست به افشاکاری و شاید هم اتهام‌زنی می‌زند.
با این‌حال هنوز هم موضوع احمدی‌نژاد سبزه خدایی است برآی خیلی‌ها. به‌خصوص اگر بشنویی چه‌راهی که در انتخابات ۹۶ بنا به دلایلی که همه می‌دانیم - ر صلاحیت شده است حالا دورخیز کرده برای سال ۹۸ و انتخابات مجلس یازدهم. شاید برای خیلی‌ها عجیب باشد اما... برای احمدی‌نژاد اصلاً چیز عجیبی نیست؛ حتی نامزدی او برای پارلمان یازدهم، آن هم از شهر مادرزادی‌اش گرمسار.

کیمیا

عذرخواهی پیشکش! مسیر خسارت بار را رها کنید
● درحالی‌که خسارت‌آفرین‌بودن مسیر توافق هسته‌ای و عدم پایبندی آمریکا به تعهدات خود بیش از پیش آشکار شده، به نظر می‌رسد بهترین گزینه پیش‌روی دولت برای جبران وضعیت فعلی و جلوگیری از افزایش خسارت، بازگشت از این راه بن‌بست است. براساس تبلیغات گسترده برخی از دولت‌مداران و رسانه‌های به ظاهر حامی دولت قرار بر این بود که برجام دو دستاورد عمده داشته باشد؛ اول «لغوتمامی تحریم‌ها» و دوم «گشایش اقتصادی برای عموم مردم». انگار جشن و شادمانی پرسروصدایی در منزل برپا باشد و همه مشغول بزنبوکوب و در همان یکی دزدان مشغول جمع‌کردن اثاث منزل باشند و زکات داد بزنند؛ چه نشتنه‌ای‌که دزدان همه اموالشان را به غارت بردند!

جمهوری اسلامی

سرنوشت مشترک آمریکا وادعاش

● مشکل جدید آمریکا و جبهه ائتلاف آمریکایی این است که با توجه به ظهور اقلیم کردستان عراق، ترکیه نیز مدت‌هاست که برای ادامه سیاست‌های گذشته دچار تردیدهای جدی شده و کاملاً دریافته است که سرمایه‌گذاری بدف‌برجام بر‌ر روی کردها و مسلح‌کردن آنها در سوریه و عراق باعث ایجاد مشکلات فراواندهی برای ترکیه شده و حتی مشکل امنیت ملی برای آنها به‌وجود آورده است. اردوغان و دستیارانش تصور می‌کردند که اوضاع منطقه برای آنها یک فرصت طلایی به ارمان آورده تا به سوریه و عراق به چشم طعمه بنگرند و درصدد کشورگشایی باشند لکن امروزه با تلخکامی احساس می‌کنند که داعش، طاعون منطقه است و قرار نیست حتی ترکیه از بابت آن منفععی داشته باشد.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

سخنرانی مقصود فراستخواه در شب عاشورای ۱۳۹۶ در انجمن اسلامی مهندسين

عرفان حسینی؛ قیام حسینی



از راست

وجودی است و همکاری با این مبدأ خیر و کمال کردگاری در او برانگیخته شده است. در نیاپش خود با حقیقتی متعال صمیمانه نسبت روحی دارد و می‌گوید: ستایش سزوار خدایی است که ... پادشاه دهنده هر سازنده‌ای، بخشنده هر نالنده‌ای، فرو فرستنده منافع و مطلوبیت‌ها، او شونده نیاپش‌هاست. برطرف‌کننده غم‌ها و گرفتاری‌هاست و تعالی‌بخشنده درجات وجودی و فروگوبنده جباران است. خدای من! به‌سوی تو رغبت و اشتیاق دارم و توفیق تو بود که در محضر قرب خویش قرارم دادی، پس هر بار که تو را می‌خوانم پاسخ می‌دهی. از تو می‌خواهم، اعطا می‌کنی، اطاعت می‌کنم، قدر می‌دهی و سپاسگزار می‌شوم، می‌افزایی. می‌بخشی تو پاکیزه و مقدس است و دادودهنش و نعمت‌هایت عظیم و فاخر است. خدای من! چنان کن که به تو خشیت یوزم آن‌گونه‌که می‌بینمت، در اندرون من غایی قرار بده. در دل من باوری، در اعمال من اخلاصی، در چشمانم روشنی و بینایی و در دینم روش‌بینی و بر آنان که به من ستم روا دارند یاری‌کن و نسبت به ستم آن‌ها پدیدارگر در این سرزمین می‌کنند در من کفایتی درونی به وجود بیاور. خدایا غم و اندوه مرا تو بگسار، پروردگارا تو را به آن پرتو نور رویت که این زمین و آسمان‌ها به او اشراق یافته است، تو پناهگاه منی آنگاه که زمین با همه وسعت خویش بر من تگ شود، تو هستی که درمندان مضطرب را اجابت می‌کنی و مشکلات را برطرف می‌کنی.این رویکرد وجودی و معنوی است که برای ابعادالله ادراکی اخلاقی از حیات فردی و اجتماعی پدید می‌آورد، به او حریت و آزادیگی می‌دهد و در او جود، سخا و بخشایش ایجاد می‌کند. می‌گوید: «راستی عزت است، دروغ ناتوانی و درماندگی است، رازداری امانت است، محاسبه در حکم خویشاوند جز خدا یابوری ندارد.این تیپ معرفتی و معنوی و اخلاقی بود که پایه تیپ اجتماعی و سیاسی حسین بن علی شد. مرتب از عالمان دینی که به طبقات ممتازی در جامعه تبدیل شده بودند انتقاد می‌کرد که چرا مسئولیت‌های روشنگری و عدالت‌خواهی و افشای حقایق را فراموش کرده‌اند: «ای گروه مشهور به علم... در کوی و برزن باهویت پادشاهان و اشراف‌ران‌های می‌روید و حق ضعیفان و بی‌پناهان را ضایع می‌کنید»، «عبرت بگیرید از پند خداوند در قرآن که اجبار و روحانیان و علمای دین یهود را نکوهش می‌کند چرا که آنها از ستمکاران آن‌همه رشتی و فساد را می‌دیدند ولی از آن بازمنی‌داشتند،این نبود جز برای دستیابی به امتیازات و ترس ازدست‌دادن موقعیت‌ها... حال آن‌جود خدا می‌گوید- از مردم ترسید و نسبت به من خشیت داشته باشید». همین معرفت و معنویت و حریت و روح احساس مسئولیت اجتماعی بود که او را نسبت به سرنوشت جامعه، میراث ارزش‌های مکتوب و اخلاقی، فرهنگ اسلامی و حقوق اجتماعی نگران و حساس می‌کرد.

وضع جامعه‌شناختی جهان آن‌روزاسلام و شهرکوفه
در اینجا پیش از شرح مواجهه ابعادالله با اوضاع زمانه، اندکی نیز مسیر دوم بحث را دنبال کنیم و آن چنان‌که گفتیم وضع جامعه‌شناختی آن دوره آن تاریخ اسلام است. جامعه آن روز عرب در قلمرو وسیعی شامل سرزمین حجاز، مکه، مدینه، بصره، کوفه، شام و یمن و مابقی دجار وضعیتی آتومیک (ضعف‌هنجاری و بی‌هنجاری) شده بود. علت اصلی، فتوحات گسترده پی‌درپی و غنایم فراوان و سرازیرشدن ثروت هنگفتی از خراج و جزیه به این قلمرو بود که عمدتا در دستگاه خلافت و حکومت، «شخصی‌سازی» می‌شد. این ثروت کثرف آن‌هم در شرایطی غیریومل و آن‌هم با ساختاری متمرکز و حاکمیتی «شخصی‌سازی‌شده»، رتیم طبیعی حیات قبیله‌ای و سنت‌های ساده قبیله‌ای را برهم زده بود و جامعه دچار آرتیمی شدیدی شده بود. تصورکنید مردممانی با زندگی طایفه‌ای و عشیره‌ای در نظام اجتماعی ساده قبیله‌ای که با سنت‌ها خو گرفته‌اند و کنزیت مردمانش نسل به نسل با کمپایی و محدودیت منابع دست‌وپنجه نرم کرده‌اند، اکنون یکباره سیلی

عبدتک خوفاً من نازک و لا طمعاً فی چنتک، بل وجدتک اهلاً للعبادة فعبدتک).. همین مضمون وارد شاخه‌ای اصیل از عرفان دوره اسلامی نیز شده است. نمونه‌اش رابعه عدویه است که در اواخر قرن اول (دهه پس از شهادت حسین بن علی(ع)) در مصر به دنیا آمده و سال ۱۳۵ در ۴۰سالگی در بیت‌المقدس درگذشته است. رابعه عارف اندوهکین و امام‌العاشقین است، دختری که ازدواج نکرد و شیخ عطار با اشاره به مقام او می‌گوید وقتی در عرصات محشر ندا می‌شود یا رجال، نخستین کسی که پای پیش می‌نهد مریم علیها‌السلام است. رابعه نیز (با سفیان ثوری) می‌گفت می‌روم آتش بر بهشت یزنم و آب بر دوزخ بریزم تا خدای متعال بی‌غرض پرسیده شود. عرفان عاشقانه ولی غمگین در تاریخ ما از دامن رابعه جاری شده است که هم از زهد مشترعانه و هم از عرفان ترس‌انگار متمایز بود. عطار در تذکرةالاولیا و جامی در نغحات‌الاسن از او سخن گفته‌اند. بر پشت‌پام شاینگاهان نیاپش می‌کرد که خدایا مردم خویشبند و ستاره‌های تو بیدار است هر عاشقی که دلالت‌العلمام نیست و من به تو توری می‌آورم. حسن بصری نماینده زهد اسلامی (مبتنی برخوف و خشیت) در روزگار او بود. رابعه که به مجلس حسن بصری می‌آمد او منقلب می‌شد و چون برخی معانی را شرح می‌داد رو می‌کرد به رابعه و می‌گفت این از احکرهاي دل تو است ای بانو (هذا من جمرات قلبک یا سیده). عطار با نام و شمش بدون نام از او نقل کرده‌اند که: صوفی را گفتند سر برآر انظري آثار رحمةالله، گفت آن آثار آثار است، گل‌ها و لاله‌ها در اندرون است. این را مولوی نیز در مثنوی آورده است، که چه خسی آخر اندر زر نگر، این درختان بین و آثار و خضر؛ احر حق بشنو که گفته‌است انظرو!، سویی این آثار رحمت آر روه! گفت آثار دل است آبی بوالهوس، آن برون آثار آثار است، بس؛ باغ‌ها و میوه‌ها اندر دل است، عکس لطف آن برین از یک جامعه به جامعه دیگر و در دوره‌های مختلف فرق می‌کند. هر جامعه و تاریخی در پس‌زمینه خود آرتیوشی معرفتی دارد. مثلاً نظام معرفت در یک فرهنگ، بیشتر تحلیلی و سنجش‌گر است و از افراد می‌خواهد با نردبان استدلال بالا بروند ولی در فرهنگ دیگر، نظام معرفت، عمدتاً ترکیبی و کل‌گراست و در او صور خیال و معنابخشیدن به امور و درنورددین فاصله‌ها جریان دارد. محققان درباره تفاوت در نظام‌های فرهنگی معرفت کار کرده‌اند. مثلاً کلاک و استرابرگ توضیح داده‌اند برای یک فرهنگ، جهان عمدتاً امری تصرف‌کردنی است و موضوعی برای تصرف ذهنی، فنی تحلیلی و تکنیکی است ولی برای فرهنگ دیگر، عالم، دارای وجهی استعلائی است و لازم داریم که معنای آن را بفهمیم، در راز هستی غوطه بخوریم و نخواهیم که نشانه‌ها (در و دشت، باغ، کوه و دمن) از این معنا تهی بشوند.

همچنین زمان در یک فرهنگ، زمان خطی است که در آن با پیشرفت می‌سایم با عقب می‌مانیم ولی در فرهنگ دیگر بیشتر با زمان هیبوط، صعود و رجوع مواجه هستیم (انالله و انا الیه راجعون، هرکسی کو دور ماند از اصل خویش، بازجوید روزگار وصل خویش، آب دریا که به دریا می‌رود، از همان‌جا کآمد آنجا می‌رود). البته این‌همه‌معنای قیاس‌نایندیری فرهنگ‌ها نیست که در جای خود بحث شده است. (فراستخواه، ۱۳۹۶، ذهن و هستم...) به‌این‌ترتیب می‌توانیم تیپ معرفتی و معنوی عمیق حسین‌بن علی(ع) را توضیح دهیم. او دارای تکیه‌گاه وجودی و معنایی محشتمی درون خود است و این به تعبیر جدید یک تجربه سرشار و یک وضعیت اگزستانسلی است. معنویت او صورت‌بندی الهیاتی و مذهبی به سیاق فرهنگ سامی و خدای ابراهیمی و آیین حنفی دارد که در اسلام و قرآن و تعلیم و نیاپش‌های جد و پدرش بازنمایی شده است. درک او از توحید و حقیقت متعال، انصافا درکی بسیار عمیق و والااست. این را در کلمات و نیاپش‌های او می‌بینیم و در اعمال و مناسباتش آشکار شده است.

اسخنان اوست که گروهی از مردم، خدا را از سر ترس پرستیده‌اند که این عبادت بردگان است. گروهی از سر آ ز و برای طلب ثواب و رغبت‌های آن جهانی می‌پرستند که این نیز عبادت مزدوران یا بازارگان است اما گروهی خدا را از سر عشق و نیاز و به شکرانه بودن در این عالم وجود می‌پرستند و این پرستش آزادگان است. (قُومًا عِبْدُوا اللهَ حُوفًا /رَهْمَةً فُتِلک عِبَادَةَ الْعَبِيد، قُومًا عِبْدُوا اللهَ طَلَبًا الثَّواب فُتِلک عِبَادَةَ الْاَجْرَاء قُومًا عِبْدُوا الله حُبًا لَه / شُکْرًا فُتِلک عِبَادَةَ الْاَحْزَار). این مضمون از دیگر امامان شیعه مثل علی‌بن ابیطالب(ع) و امام جعفر صادق(ع) به عبارت‌های مختلف آمده است. مثلاً از علی(ع) نقل شده که خدایا تو را نه از ترس دوزخت پرستیدم و نه برای طمع‌داشتن در بهشت؛ از که پدید آورده است، آشکار به‌قدرتی لایزال اتکا دارد بلکه تو را زبیده پرستش یافتم و پرستیدم (الهی ما

نگاه سیدحجت مهدوی‌سعیدی

امام حسین (ع)

● از نظر هرمنوتیک و پدیدارشناسی، حقیقت دین را باید در ماهیات و مهمات و منطفا در همان تفصل حقیقی» آن جست‌وجو و تفحص کرد، نه در عارضات و اوصاف فرعی و جنبی آن؛ ره بیرسیم مگر بی به مهمات بریم!

تحقیقا، توقف در سطحیات و سطحیات، رهنمای در پی دارد؛ در نظرگاه دین اسلام هیچ فضایی با فضلیت تفکر برابر نمی‌نشیند و بسا آن هم‌تراز و هم‌گاسه نمی‌شود؛ با تعبیر ابن‌سینا در کتاب «معراجیه»، پیامبر اسلام از جمیع عبادات اسلامی که دیگران به سبب عادات و آداب زندگی به آن مبتلا هستند، امام علی(ع) را به تعقل و اندیشیدن دعوت فرموده‌اند.

هرکسی گر طاعتی برمی‌نهد
بهر قرب حضرت بی‌چون‌وچند
تو تقرب جو به علق و سر خویش
نه چو ایشان بر کمال و بر خویش! (مولوی)
عروج و استعلائی انسان به نحوه تفکر او برمی‌گردد. خود، موجب جمود است و جمود، منشا جنون و جهالت مقدس؛ چنان‌که امروز ما در اطراف خود این عارضه را در وجود منحوس متعصبان کژدل و خاصه در تحركات گروه‌های تفگیبری و داعش می‌بینیم!

ردپای جنون و جهالت مقدس را می‌توان در نینسواپی گرفت؛ آن‌گاه‌که از آب هم مضایقه کردند کوفیان و خوش داشتند حرمت میهمان کرپلا و در آن نیروز آتشین، عسٹشانک، امام دو کونین را به تیغ سهمگین تارچا و زخم زهرآکین دغا کشانند و تکبیر زنان و تهلیل‌کویان و شادی‌ندان و دمل‌کویان بر یک‌ر یک دین، آن سرور شهیدان و اولاد و یاران باوفایش اسب دوانیندند و در پایان، سر تاج‌دار آفرینش را به ضیافت نیزه‌ها سپردند!

از شمر پلید تا مابقی اشقیا، در کاروبار خود، ادعا و آواز دین و پیروی از سنت پیامبر درمی‌انداختند؛ چنان‌که تاریخ به وثاقت و امانت روایت کرده است شمر ابن‌ذی‌الجوشن، قاری و حافظ قهار قرآن بود و بسی وسوسه‌مند و سختگیر در خوانش نماز و بجآوردن قرعات و مقدسات فقهی، تلاش موسع و جانفراسا می‌کرد، غافل از اینکه کث‌شست‌وشوی خرقه غفران نمی‌رسد!

شمر شقی و خون‌آشام از کثرت سجده‌های محوف خود، پشانی ستر و پینه‌بسته‌ای فراهم کرده بود و در بین طوایف اسلامی آن روز، بروز و ظهور آشکار تحجر و مقدس‌مآبی بود؛ خامان و متعصبان و خشک‌مغزانی مانند او نیز البته به وفور در قشون یزید مهیای جنگیدن با رسالت نبوی بودند؛ متعشرین به حماقت‌گرایی که گروه‌گی می‌نمودند و رو می‌بستند! خیلی‌ها در مجادله و محاربه با امام حسین(ع) و یارانش در روز عاشورا در رهن نذر و نذورات درآمده و روزه و وضو ستانده و در قتل فرزند یغمیمر در جان پلیدشان، نیت و آهنگ جنون‌آسای توسل و تقرب به حضرت حق کرده بودند و هر لحظه را در اجرای جهالت و شقاوت خویش پاس می‌داشتند!

قسمتی از این وصف و وضعیت شوم و شرم‌آکین و توصیف رفتار هیستریک منادیان پیروی از خلافت و زعامت یزید را می‌توان در فحوا و درون‌مایه‌های مقاتل و تراجم و مواضعی از زیارت عاشورا دنبال و رصد کرد. باید توجه کرد اگر مقدسیت و رشادت دینی نباشد و اگر جهل و جنون مقدس، جای معرفت و معنویت راستین بنشیند، کماکان واقعه هولناک و غمناک عاشورا به لحاظ تکون کژنگتری و انحطاط در تفکر مذهبی، امکان و استعداد تکرار دارد و به مصداق کل یوم عاشورا و کل ارض کرپلا، همچنان می‌توان در چرخه روزگار و در هر مقطعی از مقاطع تاریخ اسلامی، شاهد تکرار همین نوعی است؛ چنان‌که چنین رخدادی را هم‌اکنون پیش چشم خود داریم؛ مرور محققانه و مدققلانه متون تاریخی بر ما می‌نمایند که هرچند تاکنون جنگ و کشتارهای شیع، قبیع و وسیع بسیاری اتفاق افتاده است و می‌افتد؛ اما ماجرای مؤلسم و معظم عاشورا در نوع خود، به جهات گوناگون با سندهای عدیم‌الغیرا، متملیل بوده است. در ظرفیت‌ترین شکل ممکن، به تعبیر مرحوم دکترعلی شریعتی، گاه مذهب به جنگ مذهب می‌رود و جهالت، مزورانه نقاب فریبنده آگاهی بر چهره می‌افکند و ندای تقدسات سر می‌دهد؛ چنان‌که در صحرای نینوا نیز چنین رفت و چنین شد، به لحاظ معرفتی و تربیتی، در این‌ستگاه‌ها و ابنزارهای عاشورا باید همواره تانی و تأمل کرد و آن تنها رویدادی منسوخ و شبه‌معدوم در صفحه روزگار فرض و توهم نکرد که به‌هرترتیب چند روزی از سال در راستای برانگیختن باورهای سنتی برای انباشت ذخایر اخروی، احیا شود یا به منزله تجربه‌ای فرهنگی، در خاطرات ازلی ما ایرانیان باقی بماند. قطعاً چنین رویکردی رخت‌آلود و سکولاریستی باعث آن می‌شود که احیاناً ما از یک سوراخ نرفته‌تپا یک‌بیار، هزارویک بار و بلکه بیشتر گزیده بشویم و زخم برداریم و از درد جراثحت بر خود بیچیم؛ آنچه اکنون وجود ندارد، نشان‌دهنده آن است که به قدر کافی خواهان آن نبوده‌ایم. در

برای تعالی احوال خویش، روشه برگیریم.
روز عاشورا نمی‌دانی که هست
ماتم جانی که از قرنی به است! (مولوی)
ادامه در صفحه ۷